

خاطرات دکتر محمدرضا منصوری



www.ketab.ir



- سرشناسه : عنوان و نام پدیدآور: منصورى، محمدرضا، ۱۳۵۰-
خاطرات دکتر محمدرضا منصوری / تدوین: مهدی قیصری
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص:
فروست: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۱۰۱۸.
شابک: ۴-۸۰۱-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸-۱۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: منصورى، محمدرضا، ۱۳۳۰- -- خاطرات
موضوع: سازمان مجاهدین خلق ایران -- اعضا -- خاطرات
موضوع: Sazeman Mojahedin Khalq Iran-- Membership-- Diaries
شناسه افزوده: قیصرى، مهدى، ۱۳۵۹-
شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
رده بندی کنگره: DSR ۱۵۴۲ / م۸۱۳ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۰۰۵۱



مؤسسه فرهنگی هنری انتشارات

عنوان: خاطرات دکتر محمد مصدق - منصوری

تدوین: مهدی قیصری

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

حروف چینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۸۰۱-۴

ISBN 978-964-419-801-4

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

۱۳		بدمه
۱۷		پیشگفتار
		فصل اول
۲۳		ولادت و پیشینه‌ی خاندان
۲۷		دبستان انوشیروان و دبستان هنر
۲۹		دبیرستان علوی
۳۳		شرکت در جلسات هیئت نوابوگانه جلال‌الحسین
۳۶		برنامه‌های مدرسه‌ی علوی
۳۷		توصیه‌ی علامه کرباسچیان به فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی علوی
۳۷		مخالفت علامه کرباسچیان با رفتن من از مدرسه
۳۹		اقامت امام‌خمینی (ره) در مدرسه‌ی علوی
۳۹		ورود به دانشگاه تهران
۴۰		دوره‌ی دکتری عمومی
۴۰		دوره‌ی تخصص
۴۱		دوره‌ی فوق تخصص

فصل دوم:

- ۴۳..... آغاز مبارزات سیاسی
- ۴۵..... اولین فعالیت سیاسی
- ۴۶..... آشنایی با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره)
- ۴۷..... خاطره‌ای از قیام ۱۵ خرداد
- ۴۹..... آشنایی با جریان‌های سیاسی مخالف رژیم شاه
- ۵۱..... شرکت در جلسات تفسیر قرآن شهید بهشتی
- ۵۳..... نظام انبیا دانشجویی

فصل سوم

- ۵۵..... فعالیت‌های سیاسی مخفی
- ۵۷..... ارتباط با سازمان هدیه خلعت
- ۵۸..... مخفی کاری و عدم اطلاع خانواده
- ۵۹..... سپاسی آشتیانی که بود؟
- ۶۰..... تعیین جایزه برای دستگیری سیاسی آشتیانی
- ۶۱..... گروه حزب الله و آشنایی من با علیرضا سیاسی آشتیانی
- ۶۴..... سرپیچی از بخش اعلامیه سازمان و اعتراض به سیاسی آشتیانی

فصل چهارم:

- ۶۹..... شکنجه گاه کمیت‌های مشترک ضد خرابکاری
- ۷۱..... دستگیری
- ۷۲..... سلول تنگ و تاریک
- ۷۴..... بازجویی و شکنجه‌های طاقت فرسا

زندگی در سلول‌های کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری ۸۷

فصل پنجم:

دادگاه بی‌داد ۹۱

زندان قصر ۹۳

برادرم احمد آقا و بند ملی‌کش‌ها ۹۵

خاطراتی از شهید لاجوردی در زندان قصر ۹۶

دادگاه بی‌داد پهلوی ۹۹

بند ایمن‌ها ۱۰۲

خودشیرینی زندانبان و سه روز زندان انفرادی ۱۰۳

جدایی مذهبی و حبس‌ها در زندان (تفکیک کمونی) ۱۰۴

فصل ششم:

اقدامات سازمان مجاهدین خلق در زندان ۱۰۹

سازمان مجاهدین خلق و اتحاد با مارکسیست‌ها در زندان ۱۱۱

ترس مارکسیست‌ها از نفاق مجاهدین خلق ۱۱۲

برخورد تند سازمان مجاهدین خلق با منتقدانش در زندان ۱۱۳

اختلاف‌های برادرم جواد آقا در زندان با مجاهدین خلق ۱۱۵

تلاش نافرجام سازمان مجاهدین خلق برای جذب من ۱۱۶

نظر سازمان مجاهدین خلق در مورد کتاب‌های تفسیر، فلسفی ۱۱۸

و مذهبی ۱۱۸

ورود محمدرضا سعادت‌ی به زندان قصر و جذب مجدد بریده‌گان از ۱۱۹

سازمان ۱۱۹

- تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ۱۲۱
- تحلیل سازمان مجاهدین خلق و مارکسیست‌ها از قیام خونین مردم
علیه شاه ۱۲۲

فصل هفتم:

- زمزمه‌های آزادی ۱۲۵
- فضای باز سیاسی کارتر و اولین اعتصاب غذا در زندان قصر ۱۲۷
- بادی از شهید رجایی و اقامه‌ی نماز جماعت در زندان ۱۳۱
- یک دقیقه سکوت در زندان قصر و کارشکنی مارکسیست‌ها ۱۳۲
- اعتصاب غای دوم زندانیان قصر ۱۳۲

فصل هشتم:

- طلیعه‌ی انقلاب اسرمی ۱۳۷
- آزادی از زندان ۱۳۹
- لذت آزادی ۱۴۰
- شرکت در اولین راه‌پیمایی ۱۴۱
- تحصن روحانیون در دانشگاه تهران و درست در ستاد استقبال از
امام خمینی ۱۴۱
- دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی ۱۴۴
- و بالاخره پیروزی ۱۴۶

فصل نهم:

- پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۹
- ادامه‌ی راه با پیروزی انقلاب اسلامی ۱۵۱

بازگشت ناباورانه به دانشگاه و کلاس درس.....	۱۵۲
اشتغال در وزارت بهداشتی و ادای دین به مردم.....	۱۵۳
دوره‌ی رزیدنتی و جلسات انجمن اسلامی دستیاران.....	۱۵۴
سال‌هایی پویایی و خدمت.....	۱۵۴
تشرف به حج.....	۱۵۷
بسیج جامعه‌ی پزشکی و اعزام به جبهه.....	۱۵۸
سرپرستی دانشگاه علوم پزشکی تهران.....	۱۵۸
گاهشمار.....	۱۶۷
پی‌نوشت‌ها و ضمایم.....	۱۶۹
مروری بر زندگی و مبارزات برادرم جواد منصوری از زبان.....	۱۶۹
خودش.....	۱۶۹
پی‌نوشت شما هی.....	۱۷۵
مروری بر زندگی و مبارزات برادرم مرحوم احمد منصوری.....	۱۷۵
اسناد و تصاویر.....	۱۸۳
کتابنامه.....	۲۸۷
نمایه.....	۲۹۱

تدوین

یکی از منابع مورد استفاده در تدوین تاریخ، خاطره‌های اشخاص است. هر شخص، در هر دوره‌ای، تجربه‌ی فردی است که می‌تواند آن را در قالب خاطره روایت کند و به نوشتار درآورد. خاطره، وقایع گذشته است که شخص آن را دیده یا شنیده یا به شیئی از محفوظات ذهن است که چون از برجستگی و ویژگی خاصی برخوردار بوده، شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته است. خاطره حوادث، رویدادها، حتی سیر عادی زندگی روزمره است که با گذشت زمان در قسمتی از ذهن جای گرفته و ماندگار شده است و بنا به نیاز شخص قابل یادآوری می‌باشد. وجود گذشت زمان طولانی از تاریخ وقایع، بخشی از وقایع که نقش مهمی در زندگی افراد داشته‌اند همواره در ذهن زنده‌اند، گرچه شرح دقیق و کامل آن و ماندگاری و ذکر جزئیات در افراد مختلف متفاوت است. برخی، خاطره‌نویسی را در معنای عام آن، نه تنها یادآوری و نگارش دیده‌ها، بلکه شنیده‌ها هم دانسته‌اند که بر آن، علاوه بر زمان و مکان وقوع خاطره، به ارزیابی چگونگی وقوع آن نیز می‌پردازد. باید توجه داشت که به خاطرات باید با دیدهی احتیاط نگاه کرد و اصول و معیارهای نقد تاریخی را در استفاده از آنها به کار بست تا از قابل اعتماد بودن آنها مطمئن شد.

از پایان قرن هفدهم میلادی، استفاده از خاطرات شخصی گروه‌های متعدد اجتماعی به عنوان نمونه داده‌های تاریخی مورد توجه محققان قرار گرفت.

در فرهنگ ایرانی اسلامی، از قرون میانه، سفرنامه‌نویسی به عنوان شکلی از خاطره‌نگاری مرسوم بوده و نمونه‌های بارزی از آن را در ادوار گوناگون تاریخی می‌توان برشمرد. در تاریخ معاصر ایران، با توجه به تحولات مهم، نهضت‌ها و قیام‌های مردمی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی به خصوص انقلاب اسلامی، که این تلاش‌ها را به ثمر رساند، ثبت وقایع از زبان شاهدان عینی رویدادها حایز اهمیت می‌باشد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی با توجه به این ضرورت بخشی از فعالیت‌های خود را به ضبط، تدوین و انتشار خاطرات شخصیت‌های دخیل در وقایع انقلاب اسلامی اختصاص داده است تا منابع دست اول در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر ایران و تاریخ انقلاب اسلامی قرار گیرد. انقلاب اسلامی همان‌گونه که - ضرورت فعالیت‌های گسترده‌ی گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه بوده است، باید از ربان ارادی متفاوت و متعدد نیز بازگو شود تا علاوه بر دسترسی جامع‌تری به جزئیات و واقع، چگونگی و زوایای گوناگون وقایع نیز پدیدار شوند.

خاطرات دکتر محمدرضا منصوری که در این راستا منتشر می‌شود، روایت مستندی از فضای داخل زندان و فعالیت سازمان مجاهدین برای مارکسیست‌کردن جوان‌ها و جذب آنها در دهه ۱۳۵۰ از زبان یکی از جوان‌ترین زندانیان سیاسی این دهه (که به دلیل همکاری با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و چند سال را در زندان گذرانده است) در اختیار ما قرار می‌دهد.

در پایان ضمن تشکر از آقای دکتر محمدرضا منصوری، به من محترم خاطرات و آقای مهدی قیصری تدوینگر آن، از آقای مرتضی میردار معاون محترم تاریخ شفاهی، آقای حسین کاوشی مدیر گروه خاطرات و کلیه همکاران مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

پیشگفتار

دکتر محمداضیا منصوری در سال ۱۳۳۰ش در تهران و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. پدرش ماشاءالله ساعت‌فروشی داشت و بعد از انقلاب بیشتر در کارهای تعاون و کدیت‌های مساجد و خیریه و راه‌انداختن صندوق‌های قرض‌الحسنه و صندوق‌های تهیهی تجهیزات فعالیت می‌کرد. برادرانش جواد (متولد ۱۳۲۴) و احمد (متولد ۱۳۲۶) از مبارزان و زندانیان سیاسی دوره‌ی بهلولی دوم هستند.

وی در سال ۱۳۳۶ وارد دبستان انوشیروان شد و بعد از کلاس سوم ابتدایی به دبستان رهنما رفت. در سال ۱۳۴۲ وارد دبستان علوی شد و در ۶ سال دیپلم ریاضی را از دبیرستان علوی گرفت. سال ۱۳۴۱ در دبیرستان علوی فارغ‌التحصیل شد و در همان سال در رشته‌ی حسابداری قبول شد اما ادامه نداد و سال ۱۳۴۹ بعد از قبولی در کنکور سراسری، وارد دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران شد و تحصیل در رشته‌ی پزشکی را آغاز کرد.

ورود او به دانشگاه تهران، مصادف با آغاز جنبش‌های زیرزمینی دانشجویی علیه رژیم شاه بود. در آنجا بود که با سازمان مجاهدین خلق که در آغاز جنبشی مذهبی و مورد تأیید علمای مبارز نیز بود، آشنا گردید. همکاری او با سازمان مجاهدین خلق، او را همچون برادرانش به وادی مبارزه با شاه و لیبیک

به ندای رهبر در تبعید کشاند.

دکتر منصوری در ۱۴ بهمن ۱۳۵۳ مصادف با شروع سال پنجم درسی، به جرم فعالیت‌های مخفی سیاسی و در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق دستگیر شد.

برادران بزرگ‌ترش جواد و احمد، قبل از او به جرم فعالیت‌های سیاسی دستگیر شده بودند. محمدرضا منصوری رابط یکی از اعضای مهم سازمان مجاهدین خلق به نام علیرضا سپاسی‌آشتیانی بود. سپاسی‌آشتیانی عامل ترور سرتیپ آهري از عوامل کشتار پانزدهم خرداد بود و ساواک در تعقیب او برای زنده کردن مرداس حایزه تعیین کرده بود.

ساواک، محمدرضا را به امید پیدا کردن سرنخی از فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق و از عمل سپاسی‌آشتیانی، دستگیر کرد و به بازداشتگاه مخوف کمیته‌ی مشترک صحرای برد و به شدت شکنجه کرد؛ اما با مقاومت او به نتیجه‌ای دست نیافت و دادگاه فرمایشی رژیم او را به حبس ابد محکوم کرد.

چندی بعد، برادر دیگرش احمد را هم دستگیر کردند تا برادران منصوری - جواد، احمد و محمدرضا - در بند زندانیان سیاسی خاصه در مجموعه‌ی زندانیان مذهبی قرار گیرند.

در زندان، بخشی از سازمان مجاهدین خلق که مرام مارکسیستی انتخاب کرده و تغییر ایدئولوژی داده بودند، نتوانستند محمدرضا را از راه به‌در کنند و به‌زودی او به انحراف سازمان پی برد و از آن جدا شد.

دکتر منصوری درحالی‌که به حبس ابد محکوم شده بود، با تحمل ۴ سال زندان بالاخره در ۲۱ دی ۱۳۵۷ یک ماه مانده به پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد و آزادی او مصادف با فرار شاه از ایران بود.

دهم اسفند ۱۳۵۷ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که دانشگاه‌ها باز شد، به دانشگاه مراجعه کرد تا درسش را ادامه دهد. غیبتش در کلاس درس چون به‌خاطر مبارزات سیاسی بود، عملاً مشکل ایجاد نکرد و مجدداً از او ثبت‌نام کردند و وارد سال پنجم دوره‌ی پزشکی شد.

سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی درحالی‌که خدا فرزندِی هم به او داده بود و درست ده روز بعد از شروع جنگ، به جبهه‌ی سومار و اسلام‌آباد غرب رفت و عضو کمیته‌ی اعزام نیروی وزارت بهداشت و بسیج جامعه‌ی پزشکی گردید.

در سال ۱۳۶۰ فارغ‌التحصیل پزشکی عمومی شد و حدود نه ماه از اسفند ۱۳۶۰ تا آذر ۱۳۶۱ در وزارت بهداشت مدیریت کل دفتر نظارت بر امور درمان بود. محمدرضا در کمال ناباوری با برادرانش در سال ۱۳۶۰ به حج مشرف شد.

دکتر منصوری در سال ۱۳۶۱ دکتر تخصصی داد و وارد رشته‌ی تخصصی چشم شد. در سال ۱۳۶۴ موفقی به دریافت بورس تخصصی چشم پزشکی شد و در همان سال به‌عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه علوم پزشکی تهران استخدام گردید.

از سال ۱۳۶۷ ریاست دانشگاه علوم پزشکی مازندران را برعهده گرفت، سپس در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ دوره‌ی فوق تخصص عمل‌های شبکی چشم را در بیمارستان شهید لبافی‌نژاد گذراند و پس از اتمام دوره، مسئولیت بیمارستان فارابی را برعهده گرفت. در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان سرپرست دانشگاه علوم پزشکی تهران انتخاب گردید و در سال ۱۳۹۲ از طرف دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت به‌عنوان مشاور وزیر و نماینده‌ی وزیر در شورای عالی برنامه‌ریزی پزشکی برگزیده شد.

خاطرات پیش‌رو به چند دلیل خواندنی و حایز اهمیت است:

۱- فرزندان مرحوم ماشاءالله منصوری سه پسر و دو دختر بودند که هر سه پسر به‌ترتیب (جواد، احمد و محمدرضا) در سن بسیار کم به جرم فعالیت‌های مخفی سیاسی و عضویت و همکاری در گروه‌های مذهبی مسلح مخالف شاه، پس از شکنجه‌های طاقت‌فرسا به زندان افتادند و محمدرضا محکوم به حبس ابد و جواد و احمد نیز به یازده سال زندان محکوم شدند؛ البته جواد و احمد قبلاً نیز از مهر ۱۳۴۴ تا فروردین ۱۳۴۸ به‌علت فعالیت در حزب سوسیالیستی سه سال و نیم در زندان بودند و نهایتاً هر سه برادر با پیروزی انقلاب اساسی از زندان آزاد شدند.

۲- دکتر محمدرضا منصوری از جوان‌ترین دانشجویان زندانی سیاسی دهه ۱۳۵۰ می‌باشد که به‌دلیل همکاری با سازمان مجاهدین خلق و یکی از سرشناس‌ترین رهبران آن به نام علیرضا ساسی آشتیانی دستگیر شده است.

۳- خاطرات ایشان از کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری و شکنجه‌ی متهمان سیاسی، زندان قصر و فعالیت سازمان مجاهدین برای مارکسیست‌کردن و جذب جوان‌ها در زندان خواندنی است.

۴- ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت‌های اجرایی و علمی در سطوح بالا ادامه داده و از جمله مدیران و استادان علمی موفق حوزه‌ی پزشکی کشور به‌حساب می‌آید.

در تدوین این خاطرات از روش مصاحبه‌ی حضوری و انجام مصاحبه‌ی تکمیلی با راوی محترم و استفاده از منابع و اسناد منتشرشده بهره گرفته شده است. برخی از تصاویر ضمیمه نیز از سایت دانشگاه علوم پزشکی تهران و برخی دیگر نیز از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی و آلبوم شخصی راوی استفاده شده است. اسناد پیوست گوشه‌ای از پرونده‌ی اسنادی دکتر منصوری

در آرشیو اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که جهت آشنایی با مبارزات ایشان ضمیمه‌ی اثر شده است. محدوده‌ی زمانی خاطرات از زمان تولد وی در سال ۱۳۳۰ تا شهریور ۱۳۹۳ را دربر گرفته است که البته بیشترین تمرکز اثر بر دوران مبارزات ایشان بوده است.

خواننده‌ی محترم برای آشنایی بیشتر با مبارزات برادران منصوری می‌تواند خاطرات جواد منصوری با عنوان «سال‌های بی‌قرار»^۱ از انتشارات سوره‌ی مهر و خاطرات مرحوم احمد منصوری^۲ از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی استفاده نماید.

در پایان، از حمایت‌های محترم آقای دکتر محمدرضا منصوری، جناب آقای مرتضی میرداد، معاون محترم تاریخ شفاهی و آقای حسین کاوشی، مدیر محترم گروه خاطرات، جناب آقای دکتر جواد منصوری به‌واسطه‌ی راهنمایی‌شان در تدوین اثر، از دوست گرامی جناب آقای رضا بسطامی که زحمت انجام مصاحبه را برعهده داشتند و از مسئولان آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی تشکر می‌نمایم.

مهدی قیصری

۱. سال‌های بی‌قرار: خاطرات جواد منصوری، تحقیق و تدوین محسن کاظمی، تهران، شرکت انتشارات سوره‌ی مهر، ۱۳۹۱

۲. خاطرات احمد منصوری، تدوین مهدی جاودانی‌مقدم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹